



شماره ۴ || سال دوم || تابستان ۱۳۹۷ ||

نو یافته های منطقه منصورآباد بهبهان بر اساس بررسی های باستان شناسی

I احمد آزادی

II ابراهیم قزلباش

III مجید کوهی گیلوان

 (صص: ۱۲۰-۹۹)
 تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۱
 تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۷

چکیده

دشت بهبهان منطقه ای است که در آن، کوه های بلند زاگرس به دشت های پست خوزستان منتهی می شود. این دشت به دلیل وجود رودخانه های پُرابی مانند مارون و نیز وجود زمین های حاصل خیز، به لحاظ زیستی، شرایط بسیار مساعدی را برای شکل گیری استقرارهای انسانی از پیش از تاریخ تا دوره ی معاصر، فراهم آورده است. نتایج حاصله، برآمده از دو فصل بررسی در منطقه ی منصورآباد بهبهان است؛ این منطقه در بخش های شمال و شمال شرقی دشت بهبهان قرار دارد. محدوده ی بررسی منطقه ای به مساحت حدود ۱۵۰ کیلومتر مربع و هدف اصلی این برنامه، مستندسازی و شناسایی آثار باستانی موجود در محدوده ی لرزه نگاری اکتشاف نفت منطقه ی منصورآباد بود. روش بررسی به صورت گسترده و تاندازه ای فشرده و براساس نقشه های ۱/۲۵۰۰۰ منطقه، برای بررسی موقعیت جغرافیایی و ثبت آثار باستانی بود. در این بررسی، ثبت محوطه های باستانی با استفاده از دستگاه مکان یاب GPS و نمونه برداری از یافته های سطحی به روش دلبخواه انجام گردید. در یک نگاه کلی می توان چشم انداز زمین ریخت شناسی منطقه ی بررسی شده را به ۳ بخش دشت، تپه ماهورهای کوهپایه ای و کوهستان تقسیم نمود. قسمت دشت شامل بخش هایی از شمال دشت بهبهان می شود؛ تپه ماهورهای کوهپایه ای، زمین هایی با پستی و بلندی ملایم است که از بخش های شمال، شرق، شمال شرق و شمال غرب به دشت بهبهان منتهی شده و در بخش های دیگر به رشته کوه های خائیز و بدیل ختم می شود. منطقه ی کوهستانی نیز شامل بخش هایی از رشته کوه خائیز و رشته کوه بدیل است. نتیجه ی بررسی های انجام شده در منطقه ی منصورآباد، شناسایی مجموعه ای متشکل از ۵۵ محوطه از دوره های مختلف، شامل: تپه، پراکندگی سفال، پراکندگی سفال و معماری، پراکندگی دست ساخت های سنگی و معماری، پراکندگی معماری و چندین سازه از جمله بنای امامزاده، دژ، آسیاب، بنای مسکونی و استودان است. آثار شناسایی شده در بخش های مختلف چشم انداز زمین ریخت شناسی منطقه ی بررسی، از جمله دامنه ی ارتفاعات، دهانه ی تنگه ها و پشته های طبیعی تپه ماهورهای کم ارتفاع قرار گرفته اند. به نسبت دوران اسلامی، آثار متعلق به دوره های پیش از تاریخ و تاریخی، درصد کم تری از آثار شناسایی شده را تشکیل می دهند. شمار قابل توجهی از محوطه های شناسایی شده از نوع محوطه های با معماری سنگی خشکه چین بوده که با استفاده از تکه سنگ های کوچک و بزرگ تراش خورده ساخته شده اند. در مجموع پراکندگی سفال بر سطح این محوطه ها کم بوده و برخی از آن ها بدون سفال اند.

کلیدواژگان: بهبهان، منصورآباد، بررسی باستان شناختی، گاه نگاری نسبی.

a.azadi@richt.ir

I. عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی (نویسنده مسئول).

II. عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی.

III. دانشجوی دکترای باستان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.

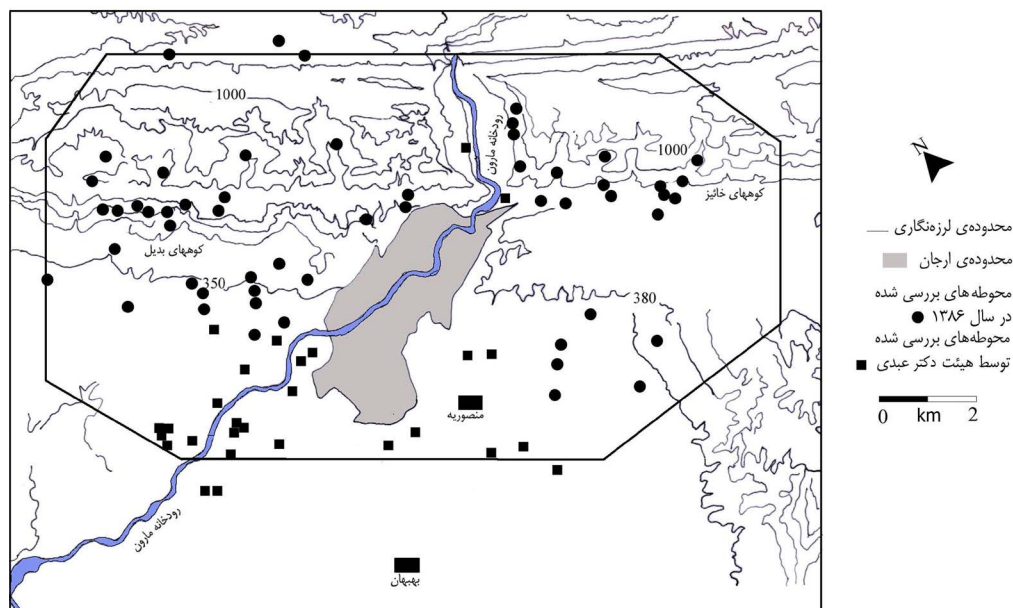
مقدمه

دشت بهبهان منطقه‌ای است که در آن ارتفاعات زاگرس به دشت‌های پست خوزستان منتهی می‌شود. این دشت و ارتفاعات اطراف آن به دلیل وجود رودخانه‌های پرآبی مانند مارون که از کوه‌های بلند منطقه کُهگیلویه در شرق سرچشمه می‌گیرد و نیز وجود زمین‌های حاصل‌خیز، به لحاظ زیستی شرایط بسیار مساعدی برای شکل‌گیری استقرارهای انسانی از پیش‌ازتاریخ تا دوره معاصر فراهم آورده است. یکی از اهمیت‌های این دشت از نظر باستان‌شناختی، قابلیت ردگیری ارتباطات فرهنگی به‌ویژه در دوره‌های پیش‌ازتاریخ و تاریخی دو ناحیه خوزستان و فارس، به خاطر قرارگرفتن آن بر سر مسیر طبیعی مناطق پیش‌گفته است. وجود محوطه‌های ایلامی (به‌ویژه ارجان، تپه‌ها و محوطه‌های متعدد پیش‌ازتاریخی، آثار دوران تاریخی و شهر اسلامی ارجان باعث شده پژوهش‌هایی در این منطقه صورت گیرد. از مهم‌ترین این پژوهش‌ها می‌توان به بررسی‌ها و کاوش‌های نیسن (Nissen, 1971; 1973, Nissen and Redman, 1971) و بررسی‌های دیتمن (Dittman, 1984) اشاره کرد. با کشف اتفاقی آرامگاه کیدین هوتران طی احداث سد انحرافی شهدا در سال ۱۳۶۱ ش.، اهمیت این منطقه نمایان‌تر شد و بعد از آن هیأت‌هایی به سرپرستی میرعبیدین کابلی و احسان یغمایی در منطقه به بررسی و کاوش پرداختند. از رهگذر این کشف همچنین، مطالعات دیگری توسط علیزاده (Alizadeh, 1985)، مجیدزاده (Majidzadeh, 1992)، استروناخ (Stronach, 2003)، الوارزمن (Alvarezmon, 2006)، محمدرحیم صراف (صراف، ۱۳۶۹)، رسول بشاش (بشاش، ۱۳۶۹) و سوسن معتقد (معتقد، ۱۳۶۹) بر روی آثار و مواد مکشوف از این آرامگاه انجام گرفت. پس از گذشت چندین سال از این کشف، هیأت باستان‌شناسی دشت بهبهان به سرپرستی کامیار عبدی فعالیت‌های پژوهشی این منطقه را در سال ۱۳۸۴ ش. از سرگرفت (عبدی، ۱۳۸۷). از دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در منطقه بهبهان می‌توان به کاوش یک محوطه از دوره نوسنگی بی‌سفال اشاره کرد که شواهدی از استقرار مقطعی در طول سال از این دوره به دست می‌دهد (دارابی، ۱۳۹۵: ۱۸۹). دور جدید پژوهش‌های باستان‌شناسی منطقه بهبهان به سرپرستی عباس مقدم شکل گرفته است. در این پژوهش‌ها افزون‌بر کاوش محوطه چاه نفت، بررسی‌های دوره‌محور در منطقه و با هدف شناسایی زیستگاه‌های آغازین و یا قدیمی‌تر نیز انجام گرفته است (مقدم، ۱۳۹۳: ۸-۲۸۷).

هیأت باستان‌شناسی بررسی در مرداد و آبان‌ماه، طی دو فصل کاری در سال ۱۳۸۶ ش.، منطقه منصورآباد را مورد بررسی قرار داد. منطقه بررسی‌شده در جنوب غرب استان خوزستان و در بخش‌های شمال و شمال شرق شهرستان بهبهان قرار دارد. بررسی‌های این منطقه در محدوده‌ای به مساحت حدود ۱۵۰ کیلومتر مربع انجام شد و شامل سه بخش کوهستان (ارتفاعات خائیز و بدیل)، بخش‌هایی از دشت منصورآباد و تپه‌ماهورهای کم‌ارتفاع دامنه کوه‌های خائیز و بدیل بود (شکل ۱).

چشم‌انداز زمین‌ریخت‌شناسی منطقه بررسی‌شده

در یک نگاه کلی می‌توان چشم‌انداز زمین‌ریخت‌شناسی منطقه بررسی‌شده را به ۳ بخش دشت، تپه‌ماهورهای کوهپایه‌ای و کوهستان تقسیم کرد. قسمت دشت شامل بخش‌هایی از شمال دشت بهبهان می‌شود؛ تپه‌ماهورهای کوهپایه‌ای زمین‌هایی با پستی و بلندی ملایم است که از یک سو منتهی به دشت، در بخش‌های شمال، شرق، شمال شرق و شمال غرب بهبهان و از سوی دیگر به رشته‌کوه‌های خائیز و بدیل ختم می‌شود. منطقه کوهستانی شامل بخش‌هایی از رشته‌کوه خائیز و رشته‌کوه بدیل است. اختلاف ارتفاع بلندترین و پائین‌ترین بخش‌های منطقه بررسی‌شده در حدود ۹۵۰ متر است. مهم‌ترین ویژگی منطقه کوهستانی، وجود تنگه‌های متعدد است.



شکل ۱. نقشه منطقه بررسی و پراکندگی محوطه‌های شناسایی شده در بررسی‌های باستان‌شناختی منصورآباد بهبهان (نگارندگان).

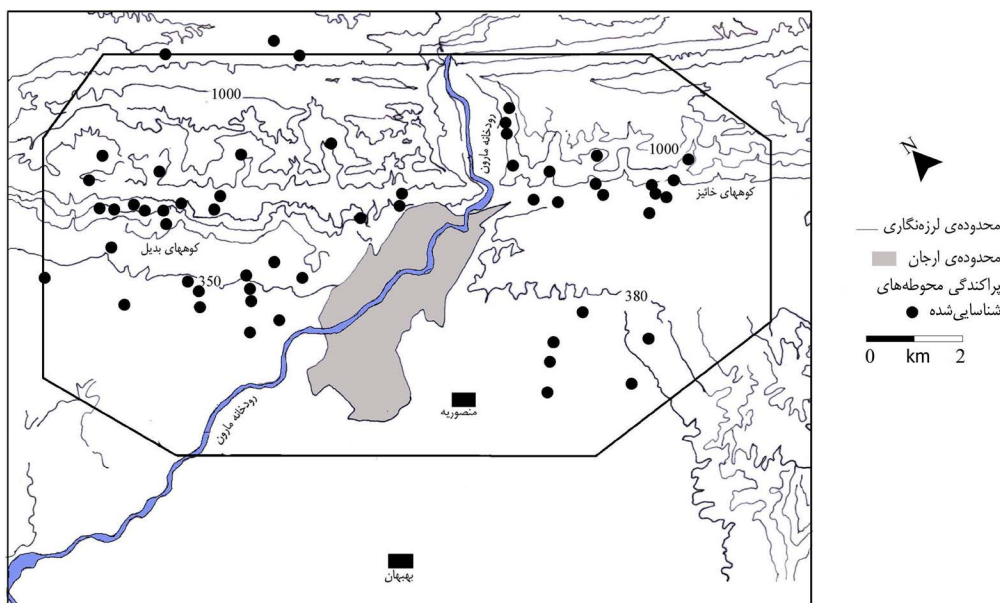
این تنگه‌ها معمولاً جهت شمال شرقی-جنوب غربی دارند و اکثر آن‌ها دارای منابع آب به شکل چشمه‌ها و رودخانه‌های دائمی و فصلی هستند. یکی از مهم‌ترین این تنگه‌ها، تنگ تکاب است که رودخانه‌ی مارون از داخل آن به سمت دشت بهبهان در جریان است.

اهداف و روش بررسی

هدف اصلی این برنامه، بررسی و شناسایی آثار باستانی موجود در محدوده لرزه‌نگاری اکتشاف نفت منطقه منصورآباد بهبهان و مشخص کردن موقعیت این آثار بر روی نقشه، برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی به آثار باستانی، در صورت تداوم برنامه‌های لرزه‌نگاری اکتشاف نفت بود. روش بررسی به صورت گسترده و تا اندازه‌ای فشرده و براساس نقشه‌های ۱/۲۵۰۰۰ منطقه، برای بررسی موقعیت جغرافیایی و ثبت آثار باستانی بود. در این بررسی، ثبت محوطه‌های باستانی با استفاده از دستگاه مکان‌یاب GPS و نمونه‌برداری از یافته‌های سطحی به روش دلخواه (arbitrary sampling) انجام گردید.

آثار شناسایی شده

نتیجه بررسی‌های انجام شده در منطقه منصورآباد، شناسایی مجموعه‌ای متشکل از ۵۵ محوطه از دوره‌های مختلف شامل تپه، پراکندگی سفال، پراکندگی سفال و معماری، پراکندگی دست‌ساخت‌های سنگی و معماری، پراکندگی معماری و چندین سازه از جمله بنای امام‌زاده، دژ، آسیاب، بنای مسکونی و استودان است (شکل ۲). آثار شناسایی شده در بخش‌های مختلف چشم‌انداز زمین‌ریخت‌شناسی منطقه بررسی از جمله دامنه ارتفاعات، دهانه تنگه‌ها و پشته‌های طبیعی تپه‌ماهورهای کم‌ارتفاع قرار گرفته‌اند. به نسبت دوران اسلامی، آثار متعلق به دوره‌های پیش از تاریخ و تاریخی، درصد کم‌تری از آثار شناسایی شده را تشکیل می‌دهند. در ادامه، براساس مطالعه مواد فرهنگی گردآوری شده از سطح محوطه‌ها و ویژگی‌های معماری سازه‌ها به بررسی دوره‌های شناسایی شده پرداخته‌ایم.



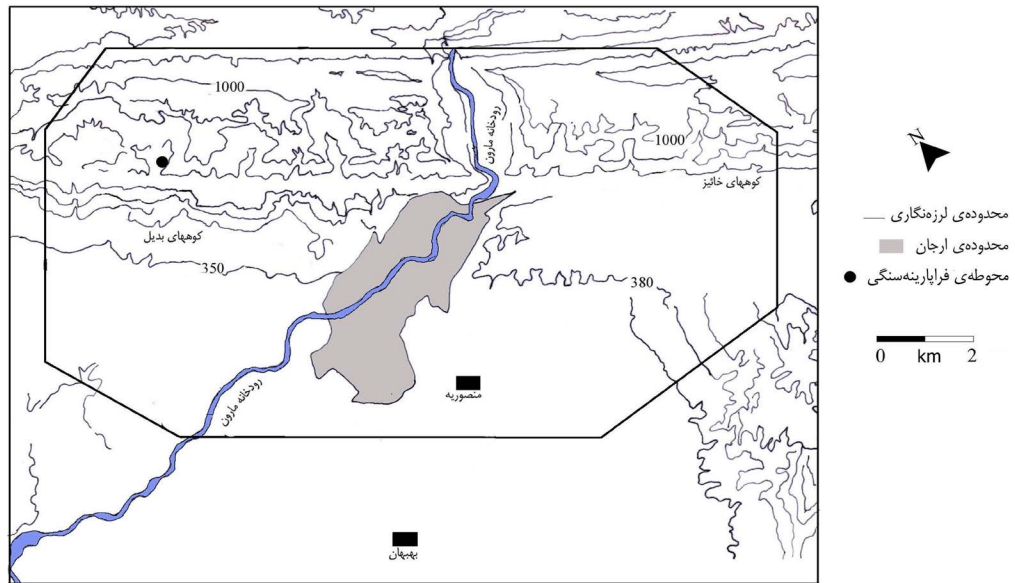
شکل ۲. نقشه پراکندگی محوطه‌های شناسایی شده در بررسی سال ۱۳۸۶ (نگارندگان).

دوره فراپارینه‌سنگی

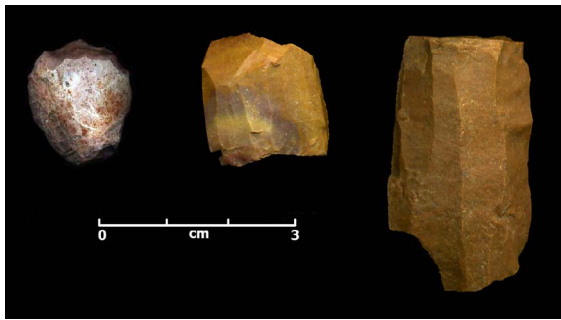
از دوره فراپارینه‌سنگی یک محوطه به نام تی‌تو شناسایی شد (شکل ۳). این محوطه در دامنه ارتفاعات بدیل با ارتفاع ۳۹۶ متر از سطح آب‌های آزاد قرار گرفته و شامل پراکندگی اندک دست‌ساخت‌های سنگی و استقراری به نسبت قوی از دوران اسلامی شامل پراکندگی سفال‌های این دوره و بقایای معماری سنگی است. مساحت محوطه براساس پراکندگی سفال‌ها و دیگر مواد فرهنگی در حدود ۴ هکتار برآورد شده و مشخص نیست که چه میزان از این مساحت در دوره فراپارینه‌سنگی مورد استفاده بوده است (تصویر ۱). از سطح این محوطه، شمار اندکی دست‌ساخت‌های سنگی گردآوری شد. این دست‌ساخت‌ها احتمالاً از خانواده سنگ‌های سیلیسی و از سنگ چرت/فلینت و به رنگ‌های خاکستری، کرمی، صورتی روشن، سفید و قهوه‌ای هستند. دست‌ساخت‌ها شامل دو نمونه سنگ مادر ریزتیغه و یک نمونه خراشنده انتهایی و شماری برداشته است (تصویر ۲). سنگ مادرهای ریزتیغه و خراشنده انتهایی قابل مقایسه با نمونه‌های هم‌زمان گزارش شده از دشت ایذه هستند (بسنجید با جایز، ۱۳۹۲).

دوره آغاز ایلامی

از دوره آغاز ایلامی، دو محوطه به نام‌های گره‌یل تل‌آو و زمین‌های پرتکی شناسایی شد (شکل ۴ و تصویر ۳). این محوطه‌ها در میان بخشی از تپه‌ماهورهای کم‌ارتفاع دامنه کوه بدیل و به ترتیب در ارتفاع ۳۴۴ و ۳۳۱ متری از سطح آب‌های آزاد قرار دارند. افزون بر تکه سفال‌های یافت شده از دوره آغاز ایلامی، این محوطه‌ها دارای استقرارهایی غنی از دوران اسلامی، شامل پراکندگی سفال‌های این دوره و بقایای معماری سنگی و شواهدی از دوره ایلامی نیز هستند. مساحت کلی این محوطه‌ها براساس پراکندگی سفال و دیگر مواد فرهنگی به ترتیب در حدود ۹ و ۱۶ هکتار است. از این مساحت مشخص نیست که چه مقدار آن در این دوره مورد استفاده قرار گرفته است. سفال‌های گردآوری شده از سطح این محوطه‌ها دارای خمیره‌ای به رنگ‌های نارنجی، نخودی مایل به نارنجی و قهوه‌ای مایل به نارنجی بوده و از مواد گیاهی و دانه‌های سفید به‌عنوان شاموت استفاده شده است. این سفال‌ها دارای پوشش نارنجی بر هر دو سطح بوده و چرخ‌ساز هستند (شکل ۵).



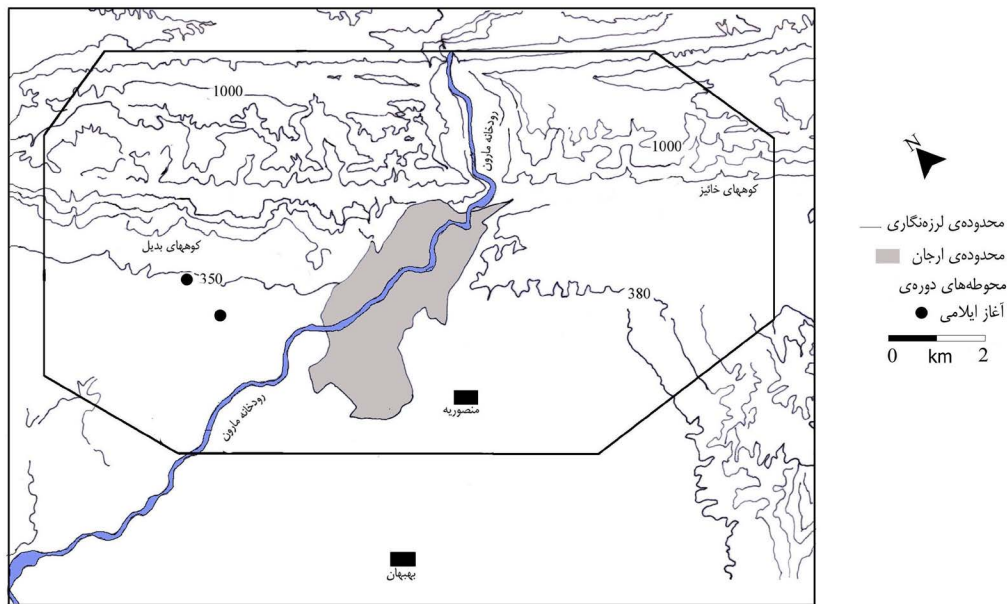
شکل ۳. نقشه موقعیت محوطه دوره فرایارینه سنگی



تصویر ۱. محوطه تی‌تو، دید از جنوب (نگارندگان).
 تصویر ۲. چند نمونه از دست‌ساخت‌های سنگی محوطه تی‌تو (نگارندگان).

دوره ایلامی

از مجموع محوطه‌های شناسایی شده، سه محوطه و یک تپه مربوط به دوره ایلامی است (شکل ۶). محوطه‌ها عبارتند از گره‌یل تل‌آو، گاسوز و زمین‌های پرتکی، و تنها تپه شناسایی شده تپه گاومرده است (تصویر ۴). ارتفاع این محوطه‌ها از سطح آب‌های آزاد بین ۳۲۴ تا ۳۸۶ متر است. محوطه‌های گاسوز و زمین‌های پرتکی در داخل دشت و محوطه تل‌آو و تپه گاومرده در بین تپه‌ماهورهای کم‌ارتفاع قرار دارند. محوطه‌های گره‌یل تل‌آو، گاسوز و زمین‌های پرتکی دارای استقرارهایی غنی از دوره اسلامی، شامل پراکندگی سفال و بقایای معماری سنگی نیز هستند. مساحت این محوطه‌ها براساس پراکندگی سفال و دیگر مواد فرهنگی به ترتیب ۹، ۲۵، ۱۶ و ۱ هکتار است. از مقدار مساحت‌های ذکر شده مشخص نیست که چه میزان از آن‌ها در دوره ایلامی مورد استفاده قرار گرفته است. سفال‌های یافت شده از سطح این محوطه‌ها دارای خمیره‌ای به رنگ نارنجی مایل به نخودی بوده و مغز برخی از آن‌ها خاکستری رنگ است. شاموت این سفال‌ها از مواد گیاهی و دانه‌های سفید بوده و برخی از آن‌ها دارای پوشش نخودی هستند (شکل ۷). از محوطه‌هایی که به این دوره منسوب شده‌اند، به نظر می‌رسد تنها تپه گاومرده احتمالاً دارای نهشته‌های استقرار است و محوطه‌های دیگر یا از نوع پراکندگی سطحی سفال است یا شامل نهشته‌های فرهنگی ضعیف بر روی برجستگی‌های کوتاه طبیعی‌اند.



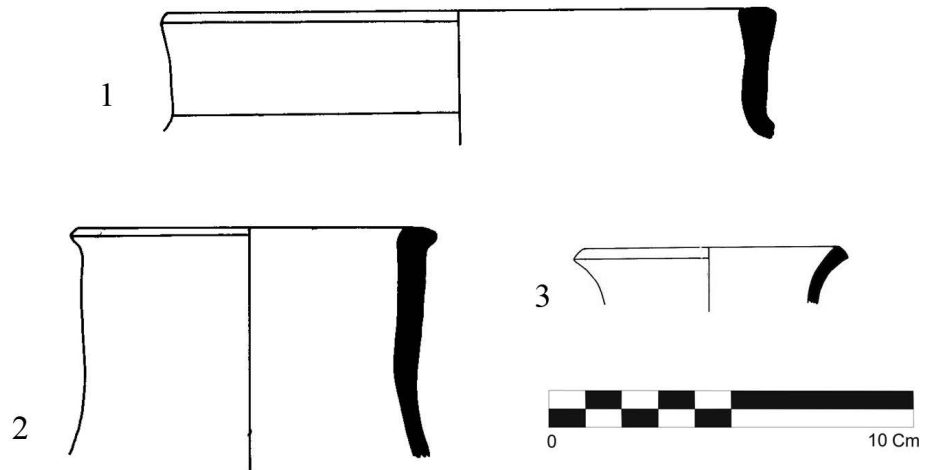
شکل ۴. نقشه پراکنندگی محوطه‌های دوره‌ی آغاز ایلامی (نگارندگان).



تصویر ۳. نمای عمومی محوطه کره‌بیل تل‌آو دید از شمال شرق (نگارندگان).

دوره‌های هخامنشی/اشکانی

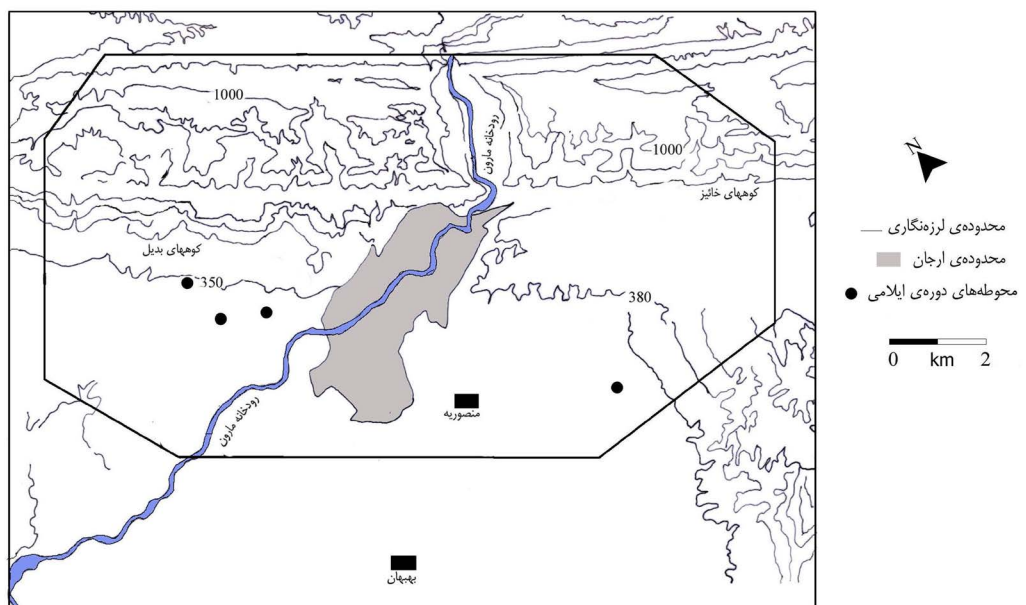
از دوره‌های هخامنشی/اشکانی سه محوطه شناسایی شد. افزون بر محوطه‌های زمین‌های پرتکی و تل‌آو که احتمالاً مربوط به این دوره‌ها بوده و شواهدی از استقرارهای دوره‌های ایلامی و اسلامی نیز دارند، از سطح تُل دره‌بازار نیز تکه سفال‌هایی یافت شد که نشان می‌دهد این محوطه نیز احتمالاً دارای استقرار از دوره‌های هخامنشی/اشکانی است (شکل ۸). دره‌بازار با ارتفاع ۴۰۲ متر از سطح آب‌های آزاد، تپه کوچکی است به مساحت حدود ۱/۲ هکتار که بر سطح آن بقایای معماری سنگی نیز به چشم می‌خورد. محوطه زمین‌های پرتکی در داخل دشت و محوطه تل‌آو و تل دره‌بازار در بین تپه‌ماهورهای کم‌ارتفاع قرار دارند. سفال‌های یافت‌شده از سطح این محوطه‌ها دارای خمیره‌ای به رنگ‌های نارنجی و نارنجی‌مایل به نخودی بوده و از مواد گیاهی و دانه‌های سفید به عنوان شاموت آن‌ها استفاده شده است. این سفال‌ها دارای پوششی به رنگ‌های قهوه‌ای و نارنجی هستند (شکل ۹: طرح‌های ۱-۴).



شکل ۵. منتخبی از طرح سفال‌های محوطه‌های دوره آغازایلامی (نگارندگان).

جدول ۱. شرح سفال‌های شکل ۵ (نگارندگان).

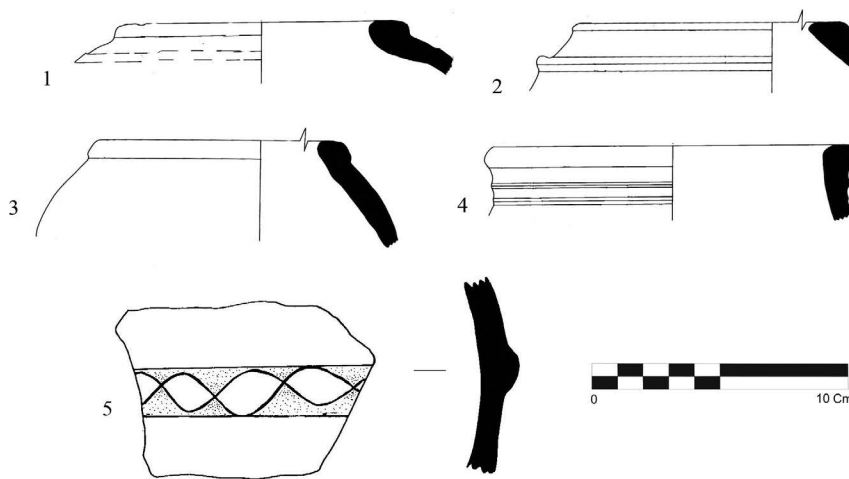
شماره طرح	نام محوطه	توصیف سفال	قدمت	منبع مقایسه
۱	تل آو	نخودی مایل به نارنجی، مواد گیاهی و دانه‌های سفید، پوشش نارنجی بر هر دو سطح، چرخ‌ساز.	آغازایلامی	
۲	تل آو	قهوه‌ای مایل به نارنجی، مواد گیاهی و دانه‌های سفید، پوشش نارنجی بر سطح بیرون، چرخ‌ساز.	آغازایلامی	Alizadeh, 2014: Plate 151: E
۳	پرتکی	نارنجی، مواد گیاهی و دانه‌های سفید، پوشش نارنجی بر هر دو سطح، چرخ‌ساز.	آغازایلامی	Alizadeh, 2014: Plate 153: C



شکل ۶. نقشه پراکنندگی محوطه‌های دوره ایلامی (نگارندگان).



تصویر ۴. تل گاومرده، دید از جنوب شرق (نگارندگان).



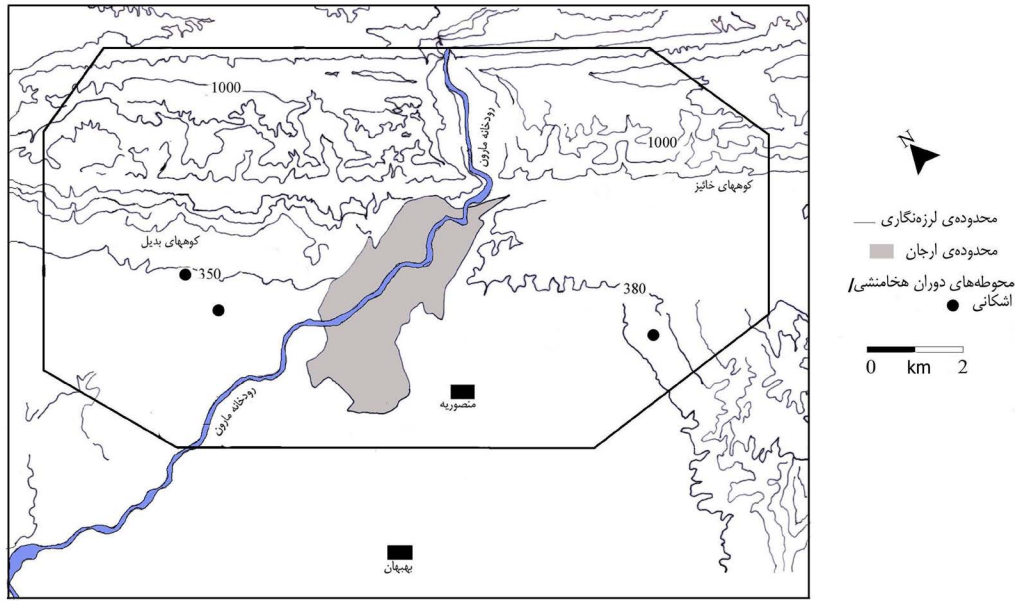
شکل ۷. منتخبی از طرح سفال‌های محوطه‌های دوره ایلامی (نگارندگان).

جدول ۲. شرح سفال‌های شکل ۷ (نگارندگان).

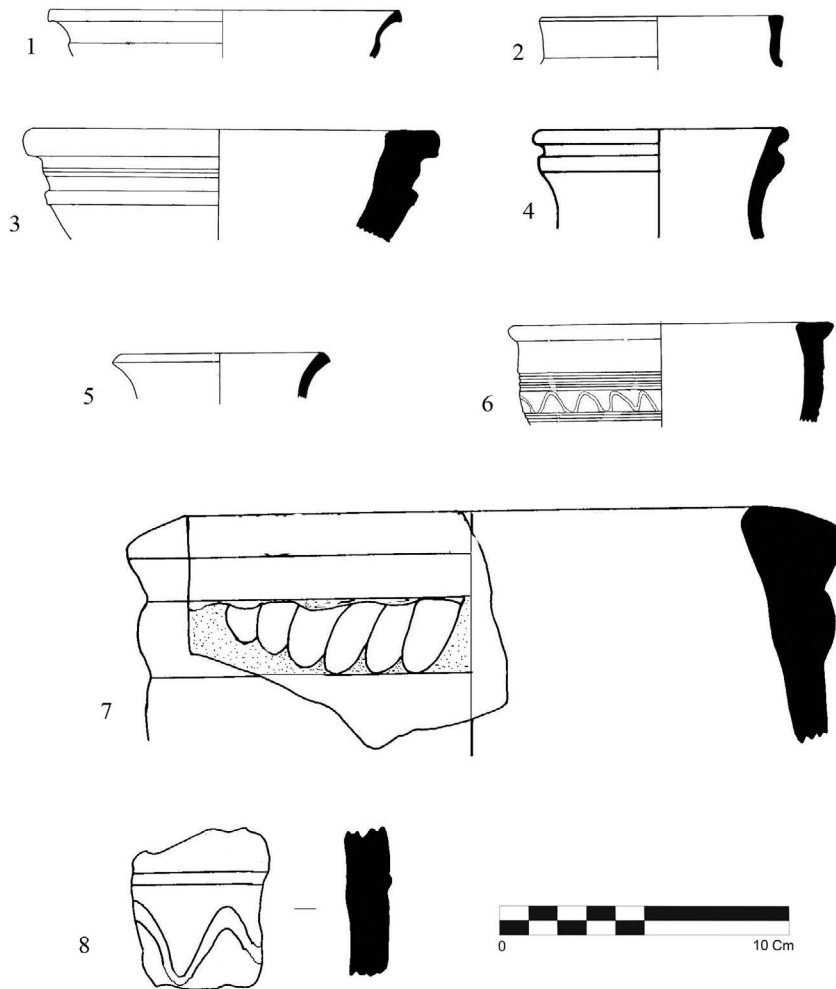
شماره طرح	نام محوطه	توصیف سفال	قدمت	منبع مقایسه
۱	تل آو	نارنجی، مواد گیاهی و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز.	ایلامی	
۲	گاسوز	نارنجی مایل به نخودی، مواد گیاهی و دانه‌های سفید، پوشش نارنجی بر هر دو سطح، دست‌ساز.	ایلامی	Alizadeh, 2014: Plate 84: C
۳	گاسوز	نارنجی مایل به نخودی، مواد گیاهی و دانه‌های سفید، پوشش نارنجی بر هر دو سطح، دست‌ساز.	ایلامی	
۴	پرتکی	نارنجی با مغز خاکستری، مواد گیاهی، پوشش نخودی بر هر دو سطح، دست‌ساز(؟).	ایلامی	Alizadeh, 2014: Figure 32: H
۵	گاومرده	نارنجی با مغز خاکستری، مواد گیاهی و دانه‌های سفید، پوشش نخودی بر سطح بیرون، دست‌ساز.	ایلامی	

دوره ساسانی

از دوره ساسانی دو محوطه به نام‌های زمین‌های پرتکی و کنارتیه شناسایی شد (شکل ۱۰). محوطه کنارتیه با ارتفاع ۳۶۵ متر از سطح آب‌های آزاد، مانند محوطه زمین‌های پرتکی دارای استقراری از دوران اسلامی شامل پراکندگی سفال و معماری سنگی است. هر دوی این محوطه‌ها در دامنه تپه ماهورهای کم‌ارتفاع قرار دارند. مساحت کلی این محوطه‌ها براساس پراکندگی سفال و دیگر



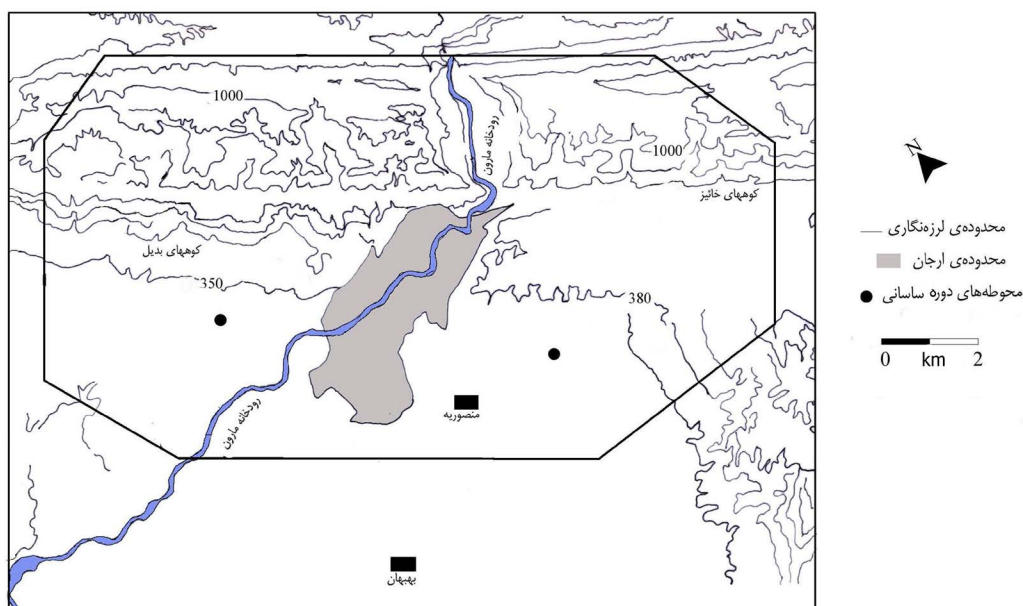
شکل ۸. نقشه پراکندگی محوطه های دوره هخامنشی / اشکانی (نگارندگان).



شکل ۹. منتخبی از طرح سفال های محوطه های دوره های هخامنشی، اشکانی و ساسانی (نگارندگان).

جدول ۳. شرح سفال‌های شکل ۹ (نگارندگان).

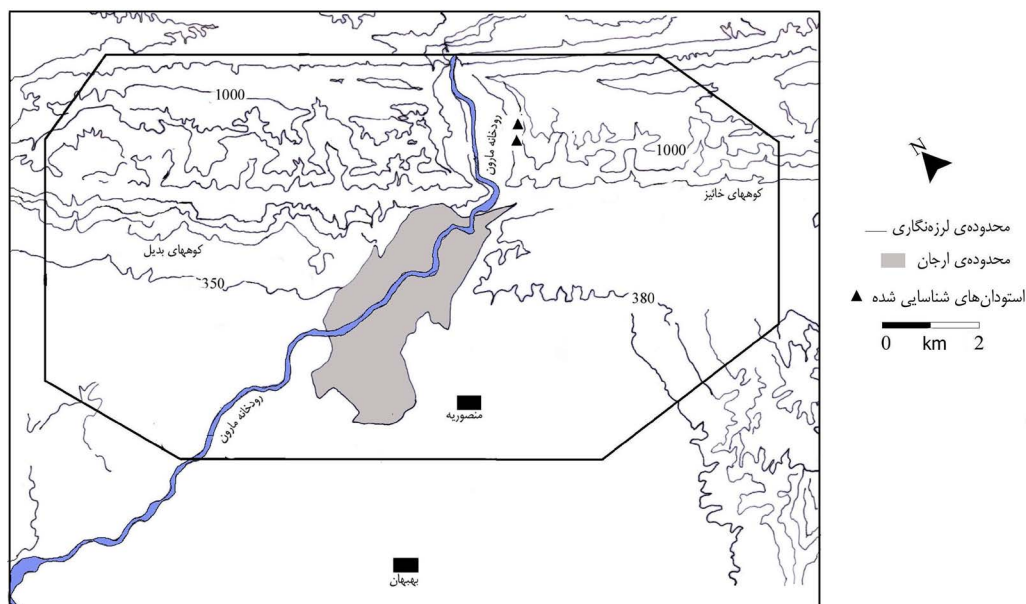
شماره طرح	نام محوطه	توصیف سفال	قدمت	منبع مقایسه
۱	پرتکی	نارنجی، مواد گیاهی و دانه‌های سفید، پوشش قهوه‌ای بر سطح داخل.	اشکانی-هخامنشی	
۲	تل آو	نارنجی مایل به نخودی، مواد گیاهی، پوشش نارنجی بر هر دو سطح، چرخ‌ساز.	هخامنشی - اشکانی	
۳	پرتکی	نارنجی با مغز خاکستری، مواد گیاهی و دانه‌های سفید، پوشش قهوه‌ای تیره بر هر دو سطح، چرخ‌ساز.	اشکانی	Keall & Keall, 1981: Fig 19:31
۴	تل دره بازار	قهوه‌ای، مواد گیاهی و دانه‌های سفید، پوشش قهوه‌ای تیره بر هر دو سطح، چرخ‌ساز.	اشکانی	
۵	تل آو	نارنجی، مواد گیاهی و دانه‌های سفید، پوشش نارنجی مایل به قهوه‌ای بر هر دو سطح، چرخ-ساز.	ساسانی	
۶	پرتکی	نارنجی، مواد گیاهی و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز.	ساسانی	Azamouh, 1994: Fig 174:g
۷	کنارتپه	نخودی، شن ریز و دانه‌های سفید، پوشش خاکستری تیره بر هر دو سطح، دست‌ساز.	ساسانی	
۸	کنارتپه	نخودی، شن ریز و دانه‌های سفید، پوشش نارنجی بر هر دو سطح، دست‌ساز.	ساسانی	محمدی فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: s. s. 328 تصویر ۳۳.



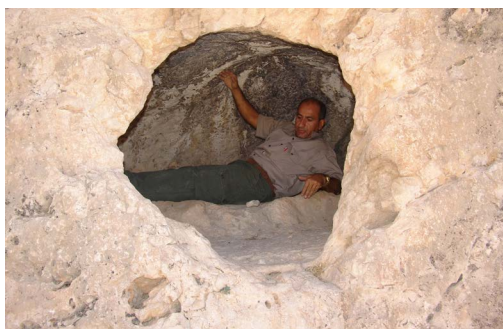
شکل ۱۰. نقشه پراکندگی محوطه‌های دوره ساسانی (نگارندگان).

مواد فرهنگی به ترتیب ۱۶ و ۹ هکتار است. سفال‌های یافت شده از سطح این محوطه‌ها دارای خمیره‌ای به رنگ‌های نخودی و نارنجی بوده و از مواد گیاهی، شن ریز و دانه‌های سفید به عنوان شاموت آن‌ها استفاده شده است. برخی از این سفال‌ها دارای پوششی به رنگ‌های قهوه‌ای و نارنجی هستند (شکل ۹: طرح‌های ۸-۵). از سطح محوطه‌ی تل آو، یک تکه سفال لعاب‌دار با لعاب آبی مات یافت شد. سطح لعاب‌دار این تکه سفال که بخشی از بدنه یک ظرف بوده، فرسوده و ترک‌دار شده است.

نکته ای که در پایان این بخش بایستی به آن اشاره شود، شناسایی دو استودان در این بررسی است که در داخل تنگ تکاب قرار دارند (شکل ۱۱ و تصاویر ۵ و ۶). بسترهای ایجاد این استودان ها بلوک های سنگی بزرگ جدا شده از کوه است. فضای داخل این استودان ها تقریباً بیضی شکل بوده و در حدود ۹۰×۱/۵×۱/۸ متر طول، عرض و ارتفاع دارند. در داخل این استودان ها فضاهایی سکومانند تعبیه شده که در حدود ۳۰×۴۰×۱/۵ سانتی متر طول، عرض و ارتفاع دارند. ورودی این استودان ها بر اثر تخریب، شکلی تقریباً نامنظم گرفته اند. در مورد تاریخ گذاری این محوطه ها نمی توان با اطمینان سخن گفت، با این حال با توجه به نمونه های شناسایی شده در سایر مناطق ایران از جمله فارس و چهارمحال بختیاری، بسیاری از پژوهشگران درباره کارکرد آن ها هم رأی بوده و قدمت آن ها را مربوط به دوره های اشکانی و ساسانی می دانند (برای نمونه بنگرید به: سیدین بروجنی، ۱۳۹۱ و روستایی، ۱۳۹۴: ۴۳).



شکل ۱۱. نقشه پراکندگی استودان های شناسایی شده (نگارندگان).

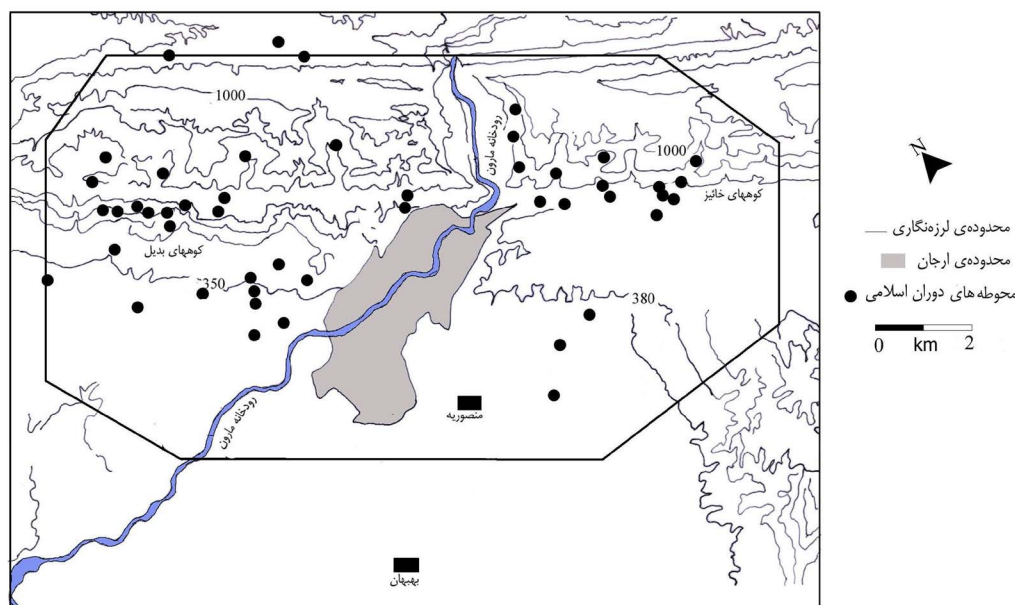


تصویر ۵. استودان شماره ۲ تنگ تکاب، دید از شمال (نگارندگان).
 تصویر ۶. نمای داخل استودان شماره ۱ تنگ تکاب (نگارندگان).

دوران اسلامی

بیشترین شمار آثار شناسایی شده در این بررسی مربوط به دوران اسلامی است. به نظر می رسد شهر آرگان به عنوان یک مرکز مهم دوران اسلامی و به خاطر قرار داشتن بر سر مسیر ارتباطی مهم

خوزستان به فارس، نقش اساسی در گسترش و توسعه مراکز کوچک و بزرگ اقماری در این منطقه ایفا می‌کرده است. از این دوره شمار ۴۶ اثر شامل محوطه، تپه، بنا (امامزاده، دژ و آسیاب)، راه‌های سنگ‌فرش و پلکان‌های سنگی شناسایی و ثبت شد. این آثار در بخش‌های مختلف چشم‌انداز زمین‌ریخت‌شناسی منطقه بهبهان از جمله بلندی ارتفاعات، داخل و دهانه تنگه‌ها، در بین تپه‌ماهورهای کم‌ارتفاع و در داخل دشت منصورآباد قرار گرفته‌اند (شکل ۱۲). مبنای تاریخ‌گذاری این آثار در محوطه‌هایی که دارای مواد فرهنگی سطحی از جمله سفال بوده‌اند، سفال‌ها، و برای بناها، ویژگی‌های شاخص معماری است. به جز محوطه گره‌توول که از سطح آن یک تکه سفال کتیبه‌دار متعلق به سده‌های نخستین اسلامی یافت شد (تصویر ۷)، بیشتر این محوطه‌ها متعلق به سده‌های میانه اسلامی و برخی از بناها متعلق به سده‌های متأخر اسلامی هستند.



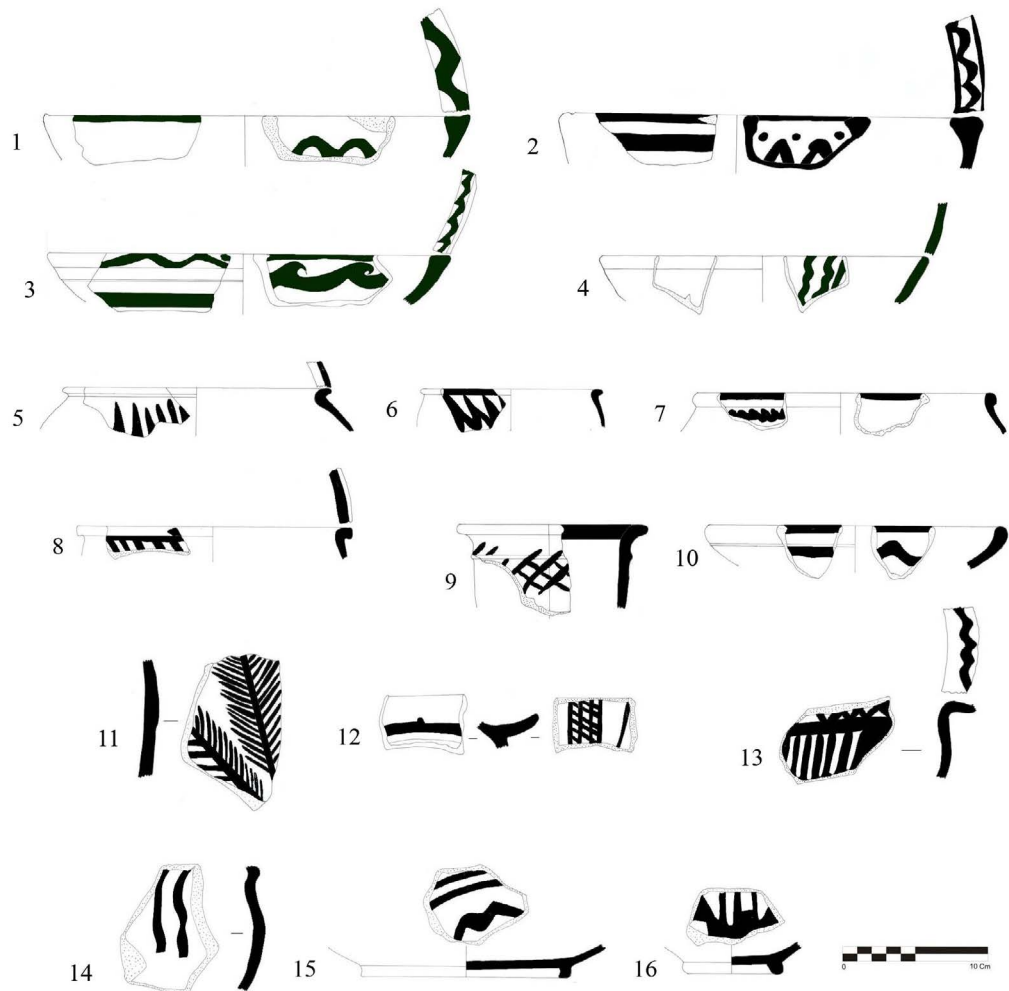
شکل ۱۲. نقشه پراکندگی محوطه‌های دوران اسلامی (نگارندگان).



تصویر ۷. تکه سفال کتیبه‌دار یافت شده از محوطه کرتول (نگارندگان).

محوطه‌ها و تپه‌ها

از مجموع آثار شناسایی شده از دوران اسلامی، شمار ۲۴ محوطه و تپه دارای سفال‌های اسلامی هستند (شکل ۱۳). از مهم‌ترین این محوطه‌ها می‌توان به محوطه‌های تُل بردی و گوری، بی‌بی‌نرجس، زمین‌های پرتکی و محوطه گره‌توول اشاره کرد. چشم‌انداز زمین‌ریخت‌شناسی



شکل ۱۳. منتخبی از طرح سفال‌های محوطه‌های دوران اسلامی (نگارندگان).

محوطه‌ها و تپه‌ها، قرارگیری در دامنه کوه‌ها، دهانه تنگه‌ها، داخل تنگه‌ها، دامنه تپه‌ماهورهای کم‌ارتفاع و بخش‌هایی از دشت است. مساحت این محوطه‌ها براساس پراکندگی سطحی یافته‌ها به‌طور میانگین بین ۱۶ تا ۰/۲۵ هکتار بوده و در ارتفاعی بین ۳۳۶ تا ۷۴۵ متر از سطح آب‌های آزاد قرار گرفته‌اند. به‌طور عمده بیشتر این محوطه‌ها دارای گونه‌ای سفال هستند که در ادبیات باستان‌شناسی ایران با عنوان سفال‌های پیش‌ازتاریخ دروغین شناخته شده‌اند (برای آگاهی بیشتر در مورد این سفال‌ها، ن. ک. به: Whitcomb, 1991). خمیره این سفال‌ها در طیفی از رنگ‌های نخودی تا نارنجی بوده و از شن ریز و دانه‌های سفید به‌عنوان شاموت آن‌ها استفاده شده است. در بین این سفال‌ها هم سفال‌های دست‌ساز و هم سفال‌های چرخ‌ساز دیده می‌شود. حرارت برای پخت این سفال‌ها کافی بوده و برخی از آن‌ها دارای پوششی به رنگ‌های نخودی و خاکستری هستند. گونه‌های منقوش این سفال‌ها دارای نقوشی به رنگ‌های قهوه‌ای و نارنجی و بیشتر دارای نقوش هندسی به شکل نوارهای پهن بر روی لبه، نوارهای آریبی بین دو نوار افقی، نوارهای متقاطع و ترکیبی از نوارهای عمودی و موج در بخش‌های داخل و خارج سفال هستند. در چند مورد نقوش گیاهی به شکل نقش برگ درخت نخل (۴)، (شکل ۱۳: ۱۱) بر روی این سفال‌ها دیده می‌شود. افزون بر سفال‌ها، بر سطح برخی محوطه‌های شناسایی شده از این دوره، بقایای دست‌ساخت‌های سنگی مانند هاون، دسته‌هاون و ظروف سنگی نیز به چشم می‌خورد.

جدول ۴. شرح سفال‌های شکل ۱۳ (نگارندگان).

شماره طرح	نام محوطه	توصیف سفال	قدمت
۱	بی‌بی نرجس	خاکستری، شن ریز و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز.	سده‌های میانه اسلامی
۲	بی‌بی نرجس	خاکستری، شن ریز و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز، پوشش نارنجی و خاکستری بر دو سطح خارج و داخل.	سده‌های میانه اسلامی
۳	بی‌بی نرجس	قهوه‌ای، شن ریز و دانه‌های سفید، دست‌ساز.	سده‌های میانه اسلامی
۴	بی‌بی نرجس	نخودی، شن ریز و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز.	سده‌های میانه اسلامی
۵	مرغداری قالد	نخودی، شن ریز و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز.	سده‌های میانه اسلامی
۶	ده امیر	خاکستری، شن ریز و دانه‌های سفید، دست‌ساز.	سده‌های میانه اسلامی
۷	بی‌بی نرجس	نارنجی، شن ریز و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز.	سده‌های میانه اسلامی
۸	تی تو	خاکستری، شن ریز و دانه‌های سفید، پوشش نارنجی و نخودی بر دو سطح داخل و خارج.	سده‌های میانه اسلامی
۹	بی‌بی نرجس	نخودی، شن ریز و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز.	سده‌های میانه اسلامی
۱۰	ده امیر	خاکستری، شن ریز و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز، پوشش خاکستری بر دو سطح.	سده‌های میانه اسلامی
۱۱	بی‌بی نرجس	خاکستری، شن ریز و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز، پوشش نارنجی بر هر دو سطح.	سده‌های میانه اسلامی
۱۲	حاجی پیر	خاکستری، شن ریز و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز، پوشش نارنجی بر سطح بیرون.	سده‌های میانه اسلامی
۱۳	تیزه	نارنجی، شن ریز و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز، پوشش نارنجی بر هر دو سطح.	سده‌های میانه اسلامی
۱۴	تی تو	نخودی، شن ریز و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز، پوشش نارنجی بر هر دو سطح.	سده‌های میانه اسلامی
۱۵	تی تو	نخودی، شن ریز و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز، پوشش خاکستری بر هر دو سطح.	سده‌های میانه اسلامی
۱۶	تی تو	خاکستری، شن ریز و دانه‌های سفید، چرخ‌ساز، پوشش خاکستری بر هر دو سطح.	سده‌های میانه اسلامی

از مهم‌ترین آثار موجود بر سطح محوطه‌های دوران اسلامی بقایای آثار معماری است که برخی از آن‌ها با استفاده از سنگ و ملات گچ ساخته شده و برخی دیگر بدون استفاده از ملات و به صورت خشکه‌چین ساخته شده‌اند. نقشه آثار معماری که با استفاده از سنگ و گچ ساخته شده، به صورت مربع و مستطیل بوده و پوشش آن‌ها با استفاده از طاق‌های جناغی و هلالی اجرا شده است (تصویر ۸). نقشه سازه‌های معماری که به صورت خشکه‌چین ساخته شده‌اند، بیشتر به شکل مربع و مستطیل و در برخی موارد گرد(؟) است (تصاویر ۹ و ۱۰). به نظر می‌رسد ستون‌های سنگی چند تکه که با استفاده از چند تکه سنگ تراش خورده و به شکل مدور، به قطر حدود ۴۰ سانتی‌مترند، احتمالاً برای کمک به حمل بار پوشش سقف، در بخش‌های میانی اتاق‌ها استفاده شده است. بقایای این تکه‌ستون‌ها در محوطه بدیل گپو برجا مانده است (تصویر ۱۱). در اطراف برخی از این محوطه‌ها بقایای دیوارهای سنگ‌چینی به چشم می‌خورد که با استفاده از آن‌ها، شیب طبیعی کوه را مهار کرده و از فضای سکوماند ایجاد شده، بیشتر برای احداث باغات میوه استفاده شده است (تصویر ۱۲).



تصویر ۹. بقایای معماری خشکه چین با نقشه مستطیل، محوطه تیزه، دید از غرب (نگارندگان).



تصویر ۸. بقایای معماری با طاق جناغی، محوطه تی تو (نگارندگان).



تصویر ۱۱. بقایای یکی از ستون های چندتکه در محوطه بدیل گپو (نگارندگان).



تصویر ۱۰. بقایای معماری خشکه چین با نقشه گرد (?)، محوطه بدیل گپو (نگارندگان).

افزون بر این، درکنار همین فضاها معمولاً آب انبارهایی با نقشه های مربع و مستطیل شکل به چشم می خورد که با استفاده از سنگ و ساروج ساخته شده اند. بخش های داخل این آب انبارها جهت جلوگیری از نفوذ آب به داخل زمین به وسیله لایه ای از ساروج اندود شده است. آب این آب انبارها معمولاً از طریق منابع آب موجود در داخل و اطراف محوطه ها تأمین، و به وسیله جوی هایی که از سنگ ساخته شده اند به داخل آب انبارها هدایت می شده و از آن برای آبیاری باغات و مزارع استفاده می شده است. برخی از این آب انبارها در حال حاضر نیز مورد استفاده قرار می گیرند (تصویر ۱۳). در اطراف برخی از این محوطه ها، گورستان هایی وجود دارد که معمولاً گورهای آن ها نقشه مستطیل شکل دارند. با توجه به سفال های یافت شده بر سطح این محوطه ها، به نظر می رسد این محوطه ها بیشتر متعلق به سده های میانه اسلامی هستند.

امامزاده ها

در مجموع، شمار پنج بنای امامزاده در بررسی های باستان شناسی منصورآباد ثبت شد. این بناها عبارتند از بنای امامزاده های بی بی شاه احمد، بی بی نرجس، محمود، حاجی هفت ساله و حاجی پیر (تصویر ۱۴). به طور کلی، نقشه این بناها مربع یا مستطیل شکل بوده و بیشتر با استفاده از مصالح سنگ و گچ ساخته شده اند. پوشش بنای این امامزاده ها با استفاده از گنبد و به شکل های مختلف اجرا شده است. معمولاً بخش های داخل این بناها به وسیله طاق نماهایی با طاق های جناغی تزئین شده است. نور بخش های داخل این بناها به وسیله نورگیرهایی مربع و مستطیل شکل تأمین می شود. در داخل برخی از بناها و در زیر گنبد آن ها بقایای تزئیناتی به شکل کاربندی



تصویر ۱۳. نمونه آب انبارهای قدیمی که هنوز مورد استفاده قرار می‌گیرد (نگارندگان).



تصویر ۱۲. بقایای دیوارهای سنگ چین باغات، محوطه تنگ بیستم، دید از جنوب (نگارندگان).

به چشم می‌خورد که با استفاده از گچ ایجاد شده‌اند. در داخل بناها معمولاً یک یا چند گور که با استفاده از سنگ و گچ ساخته شده وجود دارد که اهالی از آن‌ها به نام گور امام زاده یا افراد وابسته به آن نام می‌برند. تقریباً تمام این بناها در بخش‌های داخل و خارج با استفاده از لایه‌ای گچ‌اندود شده‌اند. این بناها براساس شاخص‌های معماری از جمله گنبدها و پوشش بخش‌های مختلف، احتمالاً متعلق به سده‌های متأخر اسلامی هستند.

دژها

از این بررسی‌ها چهار دژ شناسایی شد (تصویر ۱۵). این دژها با نام‌های محلی عبارتند از قلعه نادر، قلعه دختر کوه بدیل، قلعه دختر تنگ خائیز و ثل قلعه. دژها معمولاً بر بلندای ارتفاعات و بخش‌هایی که ویژگی‌های ممتازی در احاطه به مناطق پیرامونی خود دارد ساخته شده‌اند. این دژها معمولاً از چند جهت به شیب‌های تند منتهی می‌شده‌اند و همین امر دسترسی به آن‌ها را دشوار می‌کند. مصالح استفاده شده در ساخت دژها معمولاً از سنگ و ملات گچ است. در یک مورد (قلعه دختر کو بدیل) بقایای آجر بر سطح محوطه دژ نیز مشاهده شد. آن‌ها معمولاً دارای برج‌های دیدبانی هستند که در اطراف حصارهای محدودکننده تأسیسات داخل دژ ساخته شده‌اند. معمولاً دژهایی که در ارتفاعات بالاتر قرار داشته (برای نمونه قلعه نادر) و دسترسی به منابع آب چشمه‌ها و رودخانه‌ها دشوار بوده، دارای یک یا چند آب‌انبار جهت ذخیره آب مورد نیاز بوده‌اند. بیشتر این آب‌انبارها دارای نقشه مربع یا مستطیل شکل بوده و از تکه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ ساخته شده‌اند. تمام سطح داخل این آب‌انبارها جهت جلوگیری از نفوذ آب به وسیله لایه‌ای از ساروج اندود شده است. ساخت تونل‌های مخفی از داخل دژ تا کنار چشمه یا رودخانه‌های قابل دسترس، از ویژگی دژهایی است که در فاصله نزدیک‌تری از منابع آبی هستند. قلعه دختر تنگ خائیز از نمونه‌هایی است که بخشی از تونل مخفی آن با استفاده از تکه‌سنگ‌های بزرگ تراش خورده بدون ملات و به صورت خشکه چین ساخته شده است (تصویر ۱۶). در مجموع مواد فرهنگی یافت شده از سطح این محوطه‌ها اندک است و براساس سفال‌های یافت شده از سطح آن‌ها احتمالاً متعلق به سده‌های میانه و متأخر اسلامی هستند.

آسیاب‌ها

در مجموع در این بررسی پنج آسیاب شناسایی شد. از این تعداد سه آسیاب در دهانه تنگ خائیز و دو آسیاب دیگر در داخل روستای خارستان علیا واقع شده‌اند. بنای آسیاب‌ها به دلیل دسترسی آسان‌تر به منابع آب، در دهانه تنگ‌ها (آسیاب‌های تنگ خائیز) و در مسیر رودخانه‌ها و جویبارها



تصویر ۱۴. بنای امام‌زاده حاجی هفت‌ساله، دید از غرب (نگارندگان).



تصویر ۱۵. دورنمای قلعه دختر بدیل، دید از غرب تصویر ۱۶. بقایای تونل زیرزمینی قلعه دختر تنگ خائیز (نگارندگان).

(آسیاب‌های خارستان) ساخته شده‌اند. نقشه این بناها به دلیل تخریب زیاد تقریباً نامشخص است. بیشترین بقایای به‌جامانده از این آسیاب‌ها، تنوره و جوی آب آن‌ها است (تصویر ۱۷). مصالح اصلی در ساخت این آسیاب‌ها از سنگ، ملات گچ و ساروج است. معمولاً تنوره آسیاب‌ها دارای نقشه مدور و میانگین قطر آن‌ها حدود ۱/۵۰ متر است. بخش‌های داخل جوی آب و تنوره آسیاب‌ها جهت جلوگیری از نفوذ آب به وسیله لایه‌ای از ساروج اندود شده است. تاریخ‌گذاری این آسیاب‌ها به دلیل نبود مدارک مستند دشوار است، اما با توجه به گفته‌های افراد بومی که تا چند دهه پیش سرپا بوده‌اند، به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را با احتمال به دوران اسلامی منسوب کرد.

پلکان‌های سنگی

بقایای دو پلکان سنگی تراشیده شده در کوه، در بخش‌های ابتدایی تنگ بیستم جهت تسهیل در امر رفت‌وآمد و دسترسی به بخش‌های بالاتر تنگ وجود دارد (تصویر ۱۸). این پلکان‌ها در دو



تصویر ۱۷. بقایای یکی از آسیاب‌های تنگ خائیز، دید از شرق
تصویر ۱۸. بقایای پلکان‌های سنگی تنگ بیستم (نگارندگان).

قسمت ساخته شده و شمار پله‌های آن‌ها چهار و هفت پله است. این پله‌ها در اندازه‌های مختلف ساخته شده و بین ۱۵×۲۵×۳۰ تا ۳۰×۴۵×۵۵ سانتی‌متر طول، عرض و ارتفاع دارند. تاریخ‌گذاری این پلکان‌ها به دلیل نبود شواهد کافی دشوار است، اما احتمالاً مرتبط با دیگر آثار دوره اسلامی تنگ بیستم است.

راه‌های سنگ‌فرش

در داخل برخی از تنگه‌های این منطقه، از جمله تنگ خائیز و تنگ بالنگستون بقایای راه‌های سنگ‌فرشی وجود دارد که با استفاده از تکه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ ساخته شده‌اند (تصویر ۱۹). بقایای این راه‌ها در تنگ بالنگستون بیشتر در بخش‌های ابتدایی تنگ و در داخل تنگ خائیز در بخش‌های مختلف آن قابل مشاهده است. بیشینه عرض این راه‌ها در حدود ۲ متر و بیشترین طول باقی‌مانده آن‌ها در حدود ۵ متر است. با توجه به این‌که شواهد مستندی برای تاریخ‌گذاری این راه‌ها وجود ندارد، به نظر می‌رسد که این جاده‌ها در ارتباط با دیگر آثار احتمالاً دوران اسلامی داخل تنگه‌ها و جهت راحتی در امر رفت‌وآمد ساخته شده‌اند.

نتیجه‌گیری

در بررسی باستان‌شناسی منطقه منصورآباد بهبهان، افزون بر آثاری که در بررسی‌های باستان‌شناسی دشت بهبهان شناسایی شده بود، در مجموع شمار ۵۵ اثر باستانی شناسایی و بررسی شد. گاه‌نگاری نسبی دوره‌های فرهنگی شناسایی شده براساس مطالعات اولیه نشان می‌دهد که آثار بررسی شده هر سه دوران پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی را دربر می‌گیرد که بیشتر آثار متعلق به دوران اسلامی و به خصوص سده‌های میانی آن است. آثار شناسایی شده به انواع مختلفی از جمله پراکندگی سفال بدون برجستگی، محوطه‌های تپه‌ای، محوطه‌های قرارگرفته بر روی تپه‌های طبیعی، غارها، بناهای مختلف شامل امام‌زاده‌ها، آسیاب‌ها، دژها و بافت‌های مسکونی است.

شمار قابل توجهی از محوطه‌های شناسایی شده از نوع محوطه‌های با معماری سنگی خشکه‌چین بوده که با استفاده از تکه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ تراش‌خورده ساخته شده‌اند. در مجموع پراکندگی سفال بر سطح این محوطه‌ها کم بوده و برخی از آن‌ها بدون سفال‌اند. این سبک معماری در مناطق پیرامون از جمله منطقه گهگیلویه نیز دیده می‌شود. در این منطقه

شمار زیادی از این محوطه‌ها مربوط به دوران اسلامی شناسایی شده که به احتمال قوی، با رونق شهر قدیم دهدشت (ن.ک. به: گاو به، ۱۳۵۹؛ حسینی فسایی، ۱۳۶۷؛ Stein, 1940) در سده‌های میانه و متأخر دوران اسلامی و وجود نواحی اقماری در پیرامون آن ارتباط دارد. الگوی استقرار این محوطه‌ها با الگوی روستاهای دهه‌های گذشته و حتی امروزی تقریباً یکسان است. این گونه محوطه‌ها بیشتر در دامنه کوه‌ها، دهانه تنگ‌ها، بر روی ارتفاعات و البته در نزدیکی منابع آب قرار دارند. آن‌ها تک دوره‌ای بوده و معمولاً با معماری سنگی، که با استفاده از تکه‌سنگ‌های کوچک و بزرگ تراش خورده و به صورت خشکه چین ساخته شده، همراه هستند (برای آگاهی بیشتر در مورد این گونه محوطه‌ها بنگرید به: آزادی، زیر چاپ).

در این بررسی، بخش‌های مختلف منطقه با توجه به چشم‌انداز زمین‌ریخت‌شناسی آن به نسبت‌های مختلف بررسی گردید. بررسی بخشی دشت به صورت فشرده‌تر و با دقت بیشتر انجام شد. از اولویت‌های ما در بررسی بخش کوهستان دقت ویژه در بررسی محدوده دهانه و داخل تنگ‌ها بود. ویژگی عمده این تنگ‌ها وجود روان‌آب‌های عمدتاً فصلی در داخل آن‌ها است که آب‌های سطحی را به داخل تنگ و بخش‌های دهانه آن هدایت می‌کند؛ این منابع آبی و چراگاه‌های آن، از مهم‌ترین علل شکل‌گیری استقرارهای کوهپایه‌ای این منطقه است.

به نظر می‌رسد اکثر این استقرارها از نوع کوچ‌نشینی است. این محوطه‌ها فاقد نهشته‌های معنی‌دار باستان‌شناختی که می‌تواند به عنوان نشانه‌های استقرار دائم در یک محوطه باشد، هستند. باستان‌شناسان چنین محوطه‌هایی (به خصوص در دوران پیش‌ازتاریخ) که معمولاً کم‌ارتفاع بوده و شامل پراکندگی سطحی سفال و دیگر مواد فرهنگی هستند را نشانه استقرار موقت از نوع کوچ‌نشینی تفسیر می‌کنند (برای نمونه بنگرید به: اسمعیلی جلودار و ذوالقدر، ۱۳۹۳؛ Azadi, 2015). همان‌طور که پیشتر اشاره شد، برخی از محوطه‌های شناسایی شده، کم‌ارتفاع و شامل پراکندگی سطحی سفال و بقایای معماری سنگی هستند که به نظر می‌رسد از این مکان‌ها برای استقرار دائم در طول سال استفاده نشده است.

بر اساس الگوهای کوچ‌نشینی دهه‌های گذشته در این منطقه و مناطق هم‌جوار آن مانند منطقه کُهِگیلویه (Azadi, 2010)، به نظر می‌رسد ساکنان این محوطه‌ها کوچ‌نشینی بوده‌اند که در زمان مشخصی از سال (معمولاً از فروردین تا اوایل مهرماه) به دلیل وجود منابع غنی چرا برای دام‌ها به این مناطق کوچ نموده و به دامداری می‌پرداخته‌اند. امروزه درکنار برخی از این محوطه‌ها مانند محوطه بدیل گپو خانه‌های عشایر امروزی که اندک بازمانده‌های این شیوه زندگی هستند در منطقه نیز دیده می‌شود (تصویر ۲۰).



تصویر ۲۰. خانه‌های عشایر امروزی درکنار محوطه بدیل گپو (نگارندگان).



تصویر ۱۹. بقایای جاده سنگ‌فرش تنگ بالنگستون (نگارندگان).

نکته قابل توجه در بررسی بخش های کوهستان، وجود غارهایی است که شرایط مساعدی را برای استقرارهای پیش از تاریخ داشته اند، متأسفانه مواد فرهنگی بر سطح این غارها بسیار اندک و در برخی موارد هیچ گونه مواد فرهنگی مشاهده نشد. دلیل این امر احتمالاً استفاده اهالی روستاهای اطراف از آن ها برای نگهداری احشام به خصوص در فصل زمستان است. از مهم ترین این غارها می توان به غار تنگ نی ده اشاره کرد.

شمار چشم گیری از آثار بررسی شده مربوط به دوران اسلامی است. این امر با توجه به رونق شهر ارجان در سده های نخستین و میانه اسلامی و وجود نواحی آقماری در اطراف آن تا حدودی معقول به نظر می رسد. این آثار تقریباً در تمام چشم انداز زمین ریخت شناسی منطقه از جمله دشت منصورآباد، در اطراف تپه ماهورهای کم ارتفاع دامنه کوه های خائیز و بدیل، دهانه تنگه ها و داخل آن ها و بلندای ارتفاعات خائیز و بدیل به چشم می خورند.

در پایان شایان ذکر است که به دلیل حاصل خیزی خاک منطقه و وجود منابع آب کافی، کشاورزی در این منطقه رونق بسیاری دارد که از رهگذر فعالیت های کشاورزی، خطرات بسیار جدی برای آثار ارزشمند این منطقه فراهم آورده است. از سوی دیگر گسترش روزافزون فعالیت های صنعتی و عمرانی از جمله اکتشاف نفت، آثار باستانی این منطقه را در معرض تخریب و نابودی قرار داده است و اتخاذ روش های مناسب و تصمیمات درست در نوع برخورد با این تهدیدات، می بایست به عنوان یک اولویت مهم در دستور کار قرار گیرد.

پی نوشت

۱. آقای محمد احمدی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دیگر عضو تیم بررسی بود؛ از ایشان صمیمانه سپاس گذاری می شود.
۲. شایان ذکر است که بخش هایی مهمی از این منطقه، از جمله محدوده شهر ارجان و حاشیه رودخانه مارون، پیش تر توسط هیأت باستان شناسی دشت بهبهان به سرپرستی کامیار عبدی بررسی و شناسایی شده بود. در اختیار قرار دادن نقشه پراکندگی آثار بخش های بررسی شده و نیز نقاط GPS عرصه شهر باستانی ارجان توسط ایشان، کمک زیادی به هیأت بررسی باستان شناسی محدوده پروژه لزه نگاری منصورآباد بهبهان کرد که از ایشان صمیمانه قدردانی می گردد. پراکندگی محوطه های شناسایی شده در بررسی های هیأت باستان شناسی دشت بهبهان در شکل ۱ با علامت مربع نشان داده شده است.
۳. شمار چهار محوطه از محوطه های شناسایی شده به دلیل نبود مواد فرهنگی شاخص بر سطح آن ها قابل تاریخ گذاری نبوده و برخی از محوطه ها نیز چند دوره ای هستند.
۴. مساحت های ذکر شده در مورد محوطه ها براساس پراکندگی سطحی مواد فرهنگی برآورد شده و چه بسا مساحت واقعی این محوطه ها کمتر یا بیشتر باشد.

کتابنامه

- آزادی، احمد (زیر چاپ). «گزارش دو فصل بررسی منطقه گهگیلویه». *باستان شناسی ایران*. شماره ۵.
- اسمعیلی جلودار، محمداسماعیل و ذوالقدر، سعید (۱۳۹۳). «تحلیل داده های کاوش در محوطه کوچ نشینی شهر یاری II از دوره هخامنشی در منطقه بیرگان کوه رنگ». *پژوهش های باستان شناسی ایران* ۶، صص: ۸۵۱-۱۰۴.
- بشاش، رسول (۱۳۶۹). «کتیبه جام برنزی ارجان». *اثر*. شماره ۱۷، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. صص: ۶۳-۶۲.
- جایز، مزگان (۱۳۹۲). «تغییر خط سیر تولید ریزیغها از فراپارینه سنگی به نوسنگی در دشت ایذه، شمال شرق خوزستان». *مطالعات باستان شناسی ایران*. شماره ۸، صص: ۵۸-۳۹.
- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۷۶). *فارسنامه ناصری*. تهران: امیرکبیر.
- دارابی، حجت؛ آقاجری، مجتبی؛ نیک زاد، میثم؛ و بهرامیان، سعید (۱۳۹۵). «کاوش در تپه

مَهتاج بهبهان، محوطه‌ای از دوره نوسنگی بی‌سفال در جنوب غرب ایران». گزارش‌های پانزدهمین
 گردهمایی سالانه‌ی باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص: ۱۹۲-۱۸۸.
 - روستایی، کوروش (۱۳۹۴). «معماری‌های دست‌کند کوه‌رنگ بختیاری». چکیده مقالات
 دومین همایش بین‌المللی معماری دست‌کند. گردآوری و تدوین: مهناز اشرفی، تهران: پژوهشگاه
 میراث فرهنگی و گردشگری. ص: ۴۳.
 - سیدین بروجنی، سیدرسول (۱۳۹۱). «بردگوری دیناش ۳». اثر. شماره ۵۸، تهران: پژوهشگاه
 میراث فرهنگی. صص: ۸۰-۹۱.
 - صراف، محمدحجیم (۱۳۶۹). «جام برنزی کیدین هوتران مکشوف از ارجان بهبهان». اثر.
 شماره ۱۷، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. صص: ۶۱-۴.
 - عبدی، کامیار (۱۳۸۷). «بررسی باستان‌شناختی شهرستان بهبهان». تهران: پژوهشکده
 باستان‌شناسی (منتشر نشده).
 - گاو به، هاینس (۱۳۵۹). ارجان و کَهگیلویه: از فتح اعراب تا پایان دوره صفوی. ترجمه سعید
 فرهودی. تحشیه، تصحیح و تنظیم فهارس: احمد اقتداری، تهران: انجمن آثار ملی.
 - معتقد، سوسن (۱۳۶۹). «پارچه مکشوف از تابوت برنزی کیتین هوتران در ارجان بهبهان». اثر.
 شماره ۱۷، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. صص: ۱۴۷-۶۴.
 - محمدی‌فر، یعقوب و طهماسبی، الناز (۱۳۹۳). «طبقه‌بندی سفال ساسانی دره سیمره،
 مطالعه موردی: قلعه سیرم‌شاه». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۷، صص: ۱۵۲-۱۳۳.
 - مقدم، عباس. یشمی، رامین. سلمانزاده، جواد. آقاجری، مجتبی. دباغ، مهنوش. عبدی،
 مصطفی. عالیپور، مهدی. ملکی، علی محمد. والی‌زاده، زینب. عبدالوند، شهرام و ارکانی، اصغر
 (۱۳۹۳). «کاوش در محوطه چاه نفت و بررسی دوره‌محور در شمال خاوری شهر بهبهان». گزارش‌های
 سیزدهمین گردهمایی سالانه‌ی باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی. صص:
 ۲۸۷-۲۹۱.

- Alizadeh, A. (1985). "A Tomb of the Neo- Elamite period at Arjan, near Behbahan" *Archaeologisch Mitteilungen aus Iran*, Bd.18. pp: 49-73.

- Alizadeh, A. (2014). *Ancient Settlement Systems and Cultures in the Ram Hormuz Plain, Southwestern Iran*, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.

- Alvarezmon, J. (2006). "The Arjan Tomb at the Crossroad Between the Elamite and the Persian Empires". Unpublished, Ph.D. Dissertation, University of California.

- Azadi, A. (2010). "Ethnoarchaeological Observation at Ahmad Abad in the South-Centra Zagros Mountains". in: Pollack, S., Bernbeck, R., and Abdi, K., (eds.), *The 2003 Excavations at Tol-e Bashi, Iran: Social Life in a Neolithic Village*, Mainz: Verlag Philipp Von Zabern: 269- 274.

- Azadi, A. (2015). "A Late Bronze/Early Iron Age nomadic site (KR 385) in the Bakhtiari Highlands, south-west Iran". *Antiquity* 347, Project Gallery.

- Azarnoush, M. (1994). *The Sasanian Manor House at Hajiabad*, Iran, Firenze.

- Dittmann, R. (1984). *Eine Randebene des Zagros in der Frubzeit: Ergebnisse des Behbahan- Zuhreh Surveys*. Berliner Beitrage zum Vorderen Orient Band 3, D. Reimer, Berlin.

- Majidzadeh, Y. (1992). "The Arjan bowl". *Iran*, Vol. 30. pp: 131-144.

- Keall, E & Keall, M. (1981). "The Qal,eh-I Yazdigird Pottery: A Statistical Approach", *Iran* 19. pp: 33-80.
- Nissen, H. (1971). "The expedition to the Behbahan Region". *The Oriental Institute Annual Report*, 1970-71. pp: 9- 12.
- Nissen, H. (1973). "Tepe Sohz, Excavation Report". *Iran*, Vol. 11. pp: 206-207.
- Nissen, H. J. & Redman, Charles L. (1971). "Preliminary Notes on An Archaeological Surface Survey in the Plain of Behbahan and the Lower Zohreh Valley". *Bastan Shenassi va Honar-e Iran*, No 6, pp: 48-50; 37-38, Tehran.
- Stein, S. A. (1940). *Old Routes of Western Iran*. London: MacMillan.
- Stronach, D. (2003). "The Tomb at Arjan and history of south western Iran in the Early sixth century BCE". In: Miller, N. F. and Abdi, K. (sds.), *Yeki bud, Yeki nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M.Sumner*, The Cotsen Institute of Archaeology, University of California, Los Angele. pp: 249- 259.
- Whitcomb, D. S. (1991). "Pseudo-Prehistoric Ceramics from Southern Iran", In: *Golf Archaeologie: Mesopotamien, Iran, Kuwait, Bahrain, Vereinigte Arabische Emirate und Oman*, Schippmann, K., Herling, A and Salles, J.-F.(eds), *International Archaologie*, 6, Verlag Marie L. Leidorf, Gottingen. pp: 95-112.